

اوضاع آشفته ترجمه کتاب

ترجمه آثار پرفروش در ایران اوضاع عجیبی دارد، بعضی کتاب ها بیش از ۲۰ بار ترجمه شده‌اند اما تیراژ آنها به ۲۰۰ نسخه هم نمی‌رسد؛ چه کسانی از آشفته بازار ترجمه سود می‌برند؟



عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

رو کپی می‌کنیم و چند تا کلمه‌اش رو هم عوض می‌کنیم.
-خب اون وقت اسم مترجم هم می‌خواد، اونو چیکار کنیم؟
-کاری نداره که. به اسم الکی می‌زنیم. مطمئن باش کسی هم بهش گیر نمی‌ده.
این مکالمه، الان رایج‌ترین مکالمه بین ناشرانی شده است که کتابی برطرفدار در حوزه نشر می‌بینند و بعد هم خیلی راحت از کتاب اصلی کپی می‌کنند و به بازار می‌فرستند و بعد هم که از آنها می‌پرسی، مترجم کتاب چه کسی است؟ اسمی می‌گویند و اما ته ماجرا به این می‌رسی که اسم هم تخیلی است و مترجمی وجود ندارد. آماری را از خانه کتاب وزارت ارشاد گرفتم در مورد چاپ کتاب در ۶ ماهه اول سال ۹۷، اما از این آمار ساده، تحلیل‌های پیچیده‌ای می‌شود انجام داد؛ اینکه یک کتاب که ترجمه اصلی آن فقط برای یک ناشر است به یک‌باره توسط ۲۸ ناشر دیگر نیز ترجمه و منتشر شده است. در این گزارش به تحلیل این آمار پرداختیم تا بدانیم و بدانیم که چه اتفاق وحشتناکی در زمینه ترجمه در کشور می‌افتد.



کپی رایت و دیگر هیچ

در این اوضاع و احوال ناشرانی که با کتاب‌های ترجمه چرخ‌شان می‌چرخد، ضرر بیشتری می‌کنند. یکی از این انتشارات، کوله‌پشتی است که با کتاب‌های خارجی فعالیت می‌کند اما همین ترجمه‌های کپی، ضرر زیادی به آنها رسانده است. ابابدر رضائیان معلم، مدیر انتشارات کتاب کوله‌پشتی در این زمینه می‌گوید: «متأسفانه این قضیه در فضای نشر و در میان همکاران انتشاراتی بسیار شایع شده است، به نظر می‌رسد باید قانونی جامع برای این موضوع تدوین شود که پیگیری این مهم برعهده مسئولان فرهنگی است، ممکن است عده‌ای بگویند زمان‌بر است، در این صورت می‌توان حداقل قانون کپی‌رایت را در زمینه کتاب‌های ترجمه اعمال کرد. البته واقعیت امر این است که ظاهراً این عمل قانونی است، چرا که کتاب مجوز ارشاد دارد و ارشاد هم ترجمه را از لحاظ کپی و برابری بررسی نمی‌کند، کتاب‌ها فقط همیزی می‌شوند، بنابراین هیچ مانعی برای ناشرانی که آماده‌خور هستند وجود ندارد، پس اصل قضیه رنگ و لعاب قانونی دارد، ولی به شخصه چندین مرتبه از این مسیر ضربه خورده‌ام، در سال گذشته حق رایت چندین کتاب را در اختیار داشتیم که ناشران دیگری نیز بدون داشتن این حق، آن را ترجمه و منتشر کردند. برای نمونه کتاب «صداهایی از چرنوبیل» با مجوز حق انتشار از نویسنده خانم الکسوویچ منتشر شد، اما متأسفانه چند ناشر دیگر نیز این کتاب را بعد از ما منتشر کردند و عملاً ما نتوانستیم کاری از پیش ببریم، چون خلأ قانونی در این زمینه داریم، زیرا تنها آثاری که برای اولین بار (آثار ایرانی و غیرایرانی) در ایران چاپ می‌شوند، تحت حمایت مالکیت معنوی قانون مولفان و مصنفان قرار می‌گیرند. بنابراین در وهله اول قانون باید اصلاح شود تا بتوان به بقیه موارد آن رسیدگی کرد. اما اگر از همان ترجمه کپی شود، این می‌تواند قابل پیگرد باشد و مورد حمایت قانون مالکیت معنوی اثر قرار خواهد گرفت.»

بیچاره مترجم اصلی

با نگاهی به آمار ۶ ماهه اول سال ۹۷ در حوزه کتاب‌های ترجمه، علاوه‌بر آمار عجیب و غریب تعداد ناشران، تحلیل‌های دیگری هم وجود دارد. مثلاً در ۶ ماه اول امسال، ۲۸ مترجم مختلف و ناشر، کتاب «شازده کوچولو» را روانه بازار نشر کردند. فکرش را کنید چند سال از منتشر شدن کتاب معروف «شازده کوچولو» در ایران می‌گذرد. اولین بار در سال ۱۳۳۳، محمد قاضی این کتاب را ترجمه کرده است و بعد هم احمد شاملو، ابوالحسن نجفی، مصطفی رحماندوست و ۱۲ مترجم دیگر این کار ترجمه را انجام دادند. اما نکته اصلی در مورد این کتاب این است که اکثر ترجمه‌هایی که الان و در سال ۹۷ منتشر می‌شود کپی همان ترجمه‌هایی است که در آن سال‌ها ترجمه شده و به بازار آمده است و حالا اسم‌های زیادی می‌آید که این کتاب را ترجمه کرده‌اند، بدون اینکه واقعا این اتفاق افتاده باشد. سینا کمال‌آبادی، مترجم درباره این مساله می‌گوید: «بندر از ترجمه‌های ضعیف، کپی کردن از ترجمه‌های قدیمی است. البته نمی‌توانیم با شجاعت نمونه‌هایی از این مورد را مثال بزنیم، اما می‌دانیم که وجود دارد. مترجم جدید متن ترجمه‌شده قبلی را مقابل خود قرار می‌دهد و فقط با دست‌بندن در متن، آن را به عنوان ترجمه جدید منتشر می‌کند که سرقت است و ضرر آن برای مخاطب است. یکی از دلایل کار این است که مثلاً من نوعی به دنبال شهرت هستم و وارد عرصه ترجمه می‌شوم و درحالی که مهارتی در این حوزه ندارم، با کپی کردن، کتابی را به نام خود منتشر می‌کنم. دیگر اینکه کتابی که یک شاهکار ادبی یا کتاب علمی مهمی است می‌تواند بازار خوبی داشته باشد و سراغ ترجمه آن می‌روم. کما اینکه وقتی کتابی برنده نوبل یا جایزه خاصی می‌شود ممکن است از آن کتاب یا کتاب بخصوص نویسنده‌ای چندین ترجمه در بازار وجود داشته باشد. هرچقدر کپی‌کاری بیشتر و ترجمه‌های بیشتری روانه بازار شود، کار خوب تحت الشعاع قرار می‌گیرد و کمتر دیده و حقتش خورده می‌شود. ضرر دیگر این کار این است که مخاطب دچار نوعی سردرگمی و تشخیص سره از ناسره برایش دشوار می‌شود.»

نگاه کاسب کارانه به ترجمه

محمد کریمی، مترجم: مشکل اصلی ترجمه در کشور کپی‌رایت است، ناشر وقتی می‌بیند می‌تواند کپی کند و هیچ‌گونه پیگرد قانونی هم برایش وجود ندارد، پس این کار را می‌کند و همین‌ها باعث می‌شود تا اوضاع ترجمه در کشور نابسامان باشد. یعنی هر کسی متنی را برمی‌دارد، ترجمه و یک ناشر پیدا کرده و کتاب را منتشر می‌کند. این بحث قانونی ماجراست. ما چون عضو کپی‌رایت نیستیم، پیگیری حقوقی هم از طرف ناشر خارجی وجود ندارد.
مساله بعدی این است که ما در چند سال اخیر، انبوهی از فارغ‌التحصیلان رشته مترجمی زبان داریم و هر ساله هم بدون برنامه‌ریزی و نگاه دقیق به بازار کار مناسب آنها بر تعدادشان اضافه می‌شود. دانشگاه‌های ما هم بیشتر به دنبال این هستند رشته‌هایی را تأسیس کنند که امکانات خاصی را نخواهد و زبان هم یکی از همین رشته‌هاست که فقط یک کلاس، استاد، گچ و تخته می‌خواهد و تمام؛ می‌توانید ۴۰ دانشجوی بگیرید و کلی پول نصیب‌تان شود. خب این دانشجویها درس‌شان تمام می‌شود کجا جذب شوند؟ جایی برای‌شان نیست اما می‌توانند کاری را انجام دهند که توانایی‌اش را دارند پس به سمت ترجمه می‌روند و کتاب ترجمه می‌کنند و منتظر چاپش می‌مانند. بخش دیگری که باید به آن توجه کنیم این است که تعهد حرفه‌ای از بین رفته است، یعنی به خاطر شرایط اقتصادی ای که وجود دارد مترجم‌ها مجبورند هر متنی که می‌رسد ترجمه کنند. من مترجمی را می‌شناسم که ترجمه پزشکی، مهندسی روانشناسی، مهندسی ساختمان، رمان فلسفه و کتاب کودک انجام می‌دهد و در نتیجه کتابی که بیرون می‌آید پر از غلط و اشتباه است و بدتر از آن اینکه سازمانی یا دستگاه نظارتی برای این موضوع وجود ندارد، ممیزی ارشاد برای یک‌سری موضوعات خاص پیش‌بینی شده و برای سامان‌دهی ترجمه، ممیزی و نظارتی وجود ندارد. ناشران خاصی هستند که برای برند خودشان اعتبار قائلند، آنها وقتی کاری را ترجمه می‌کنند، کار را به چند کارشناس هم می‌سپارند تا ترجمه درستی انجام شود و نهایتاً کتاب چاپ می‌شود، برای همین است وقتی کتابی با ترجمه‌های زیاد به بازار می‌آید، می‌گویند ترجمه فلان مترجم را بخوانید، چون می‌دانند آن مترجم و آن ناشر برای کارشان ارزش قائل هستند. اما دستگاه نظارتی خاصی برای نظارت روی ترجمه وجود ندارد. مکانیسم مترجم خیالی هم به این صورت است مثلاً یک نفری که دست و پای او در حوزه نشر دارد، تیمی برای خودش درست و یک کتاب حجیم را بین چند نفر پخش می‌کند، کسانی هم که کار ترجمه را انجام می‌دهند پول مختصری می‌گیرند که معمولاً دانشجویها هستند و نهایتاً ترجمه‌ها را آن شخص اول ادیت می‌کند و بدون اسم مشخص یا با یک اسم جعلی کتاب منتشر می‌شود. این هم یک روش کار است.
یک روش دیگر این است که یک نرم‌افزار می‌خرند و بعد با استفاده از آن نرم‌افزار کتاب را ترجمه می‌کنند و با کمی ادیت کردن، کتاب را منتشر می‌کنند. متأسفانه نگاه به ترجمه، نگاه کاسب‌کارانه‌ای شده است، یک دلیل اصلی هم مسائل اقتصادی است که گریبانگیر ترجمه هم شده است.

مترجم خیالی برای کتاب پرفروش

یادتان هست که از عجایب هفت‌گانه کتاب در ایران گفتیم. عجایی که مطمئناً در هیچ جای کره زمین دیده نمی‌شود. یکی از این عجایب حیرت‌آور این بود که کتابی از آن سر دنیا به ایران می‌رسد و یک ناشر با همه مشکلاتی که وجود دارد، حق کپی‌رایت کتاب را از ناشر اصلی می‌خرد و آن را چاپ می‌کند. از خوش‌اقبالی ناشر، کتاب معروف می‌شود و همه‌جا از کتاب حرف می‌زنند و به لطف شبکه‌های مجازی، جمله‌های قصار کتاب همه‌جا می‌چرخد و کتاب پرفروش می‌شود. اما از بداقبالی ناشر اصلی، به یک‌باره حجم وسیعی از این کتاب در فضای نشر چاپ می‌شود، بدون اینکه ناشر خبر داشته باشد چه اتفاقی برای کتابی که کلی هزینه برایش کرده، افتاده است! کتاب با اسمی مترجمان مختلف چاپ شده، درحالی که برخی از اسامی این مترجم‌ها خیالی هستند و ناشر محترم کپی‌کارا فقط برای اینکه بتواند سودی نصیب خودش کند در بازار می‌چرخد و بعد می‌بیند فلان کتاب معروف شده و راحت آن را کپی می‌کند و اسم خیالی برای مترجم روی آن می‌گذارد و حالا برای کتابی که هیچ هزینه‌هنگفتی نکرده، سود سرشار نصیبش می‌شود و این حال و روز اکثر کتاب‌های ترجمه شده در کشور ماست.

فقط یک ویرگول

یکی از ناشرانی که بسیار از موضوع کتاب‌های کپی ضربه خورده، یوسف علیخانی است، کسی که برای ترجمه کردن یک کتاب خارجی، نویسنده و ناشر خارجی را پیدا می‌کند و بعد با رضایت آنها و خریدن کپی‌رایت، کتاب را به چاپ می‌رساند. او در این زمینه می‌گوید: «در فاصله چاپ سومین اثر از یک نویسنده که تمامی آثارش در موسسه ما ترجمه و چاپ شده بود، فرصت نشد کتاب چهارم از این اثر را که پرفروش‌ترین کتابش هم بود، به بازار وارد کنیم. در همین بین بود که به گوش‌مان رسید کتابی که چاپش تمام شده درحال ویزیت شدن در کتابفروشی‌هاست و در بازار نشر پخش می‌شود. به دنبال کتاب رفته. جالب اینکه دیدم چاپ یازدهم کتاب به‌صورت زیراکس و غیرقانونی و با قیمتی کمتر از قیمتی که پشت جلد کتاب زده بودیم توسط دستفروشی در کتابفروشی‌های انقلاب فروخته می‌شد. رد این اتفاق را گرفتیم و رسیدیم به یکی از پخش‌کنندگان اصلی. نه من بلکه همه تقریباً می‌دانند مشکل کارشان کجاست، اما قدرت مقابله نداریم. این اتفاق زمانی درناک‌تر می‌شود که می‌فهمیم این دزدها در استان‌های دیگر و شهرهای بزرگی مثل مشهد و اصفهان نیز شعبه و دفتر دارند.» این مدیر نشر در ادامه روایت برخوردش با کتابفروشی متخلف می‌گوید: «پلیس را صدا زدم و در نهایت کتابفروشی راضی شد که بابت کتاب به ما فاکتور بدهد تا بتوانیم در دادسرا شکایتی تنظیم کنیم. جدا از ضرر من و موسسه‌م، این گونه‌فروش کتاب، آمارهای نشر و کتابخوانی را در کشور زیر سؤال می‌برد. من به عنوان ناشر اگر ببینم قرار است به شکایتم رسیدگی نشود و کتاب‌هایم این گونه به غارت بروند، ترجیح می‌دهم سرمایه‌ام را از این کار خارج کنم.»

این صحبت‌های علیخانی، صحبت خیلی‌های دیگر در حوزه نشر است که قانونی کار می‌کنند. نگاهی به آمار منتشر شده در ۶ ماه اول سال، نکته جالب دیگری را هم نشان می‌دهد، کتاب «من پیش از تو» که توسط انتشارات موت به چاپ رسیده است از جمله کتاب‌های برطرفدار این چند سال بوده که ناشران متقلب هم خیلی به آن علاقه داشته‌اند و جالب است که همین ناشران برای اینکه کتاب را چاپ کنند و مثل کتاب اصلی نباشد، یک ویرگول ناقابل را از عنوان کتاب برداشته‌اند و کتاب را چاپ کردند! همین ویرگول ناقابل چقدر ضرر هنگفت به ناشر اصلی وارد می‌کند اما نظارتی بر آن وجود ندارد و کتاب چاپ می‌شود!



نتیجه

آمار وحشتناک ترجمه، به همین‌ها ختم نمی‌شود و در ترجمه کتاب‌های کودک که زیاد هم هستند، مشکلات زیادی داریم که خودش گزارشی جداگانه می‌طلبد، اما نکته مهم در این گزارش عدم نظارت قانونی به ترجمه‌ها است، اگر ممیزی وجود دارد، فقط به حذف یک‌سری کلمات خاص معطوف نشود و ممیزی و نظارتی برای تشخیص ترجمه کپی از ترجمه اصلی هم وجود داشته باشد، حرفی که حرف دل خیلی از ناشرانی است که به شکل قانونی و خلاقانه فعالیت می‌کنند و برای نبود چنین قانون و نظارتی، ضررهای هنگفتی متحمل می‌شوند.

چاپ کتاب با عنوان اشتباه

فکر کنید که کتاب را به ارشاد بفرستید با عنوان، «رمانی از جوجو مویز» بعد کتاب‌تان هم مجوز بگیرد! خنده‌تان نمی‌گیرد؟ یعنی ارشاد به کتابی با این عنوان مجوز داده و گویا کسی هم که مجوز داده است، متوجه نشده که این کتاب، کتاب اصلی نیست و خیلی راحت برای کتاب مجوز صادر کرده است، بله این اتفاق افتاده است برای کتاب «من پس از تو» که ناشر برای اینکه کتابی متفاوت با کتاب اصلی داشته باشد، خیلی راحت چنین عنوانی را در کتابش زده است و به راحتی هم مجوز گرفته، بدون اینکه کسی به ناشر بگوید اقلاً عنوان کتاب را درست بنویس!

عنوان کتاب	تعداد ناشر و مترجم	بالاترین تعداد چاپ	پایین‌ترین تیراژ	بالاترین تیراژ
شازده کوچولو	۲۸	۶۴	۲۰۰	۵۰۰۰
قلعه حیوانات	۱۴	۱۸	۱۱۰	۳۰۰۰
بابالنگ دراز	۱۱	۱۴	۵۰۰	۵۰۰۰
بیگانه	۱۰	۲۸	۵۰۰	۱۵۰۰
ملت عشق	۹	۷۹	۱۰۰۰	۴۴۰۰
صد سال تنهایی	۹	۳۳	۵۰۰	۵۰۰۰
پیرمرد و دریا	۷	۹	۱۱۰	۲۰۰۰
من پیش از تو	۶	۵۸	۱۱۰	۲۲۰۰
کوری	۶	۴۰	۵۰۰	۵۵۰۰
ناوردشت	۶	۵	۱۱۰	۲۰۰۰
۱۹۸۴	۶	۱۶	۱۱۰	۱۶۵۰
دنایای سوفی	۶	۱۵	۵۰۰	۱۵۰۰
بینوایان	۵	۱۱	۲۵۰	۵۰۰۰
جانانان مرغ‌دریایی	۵	۱۵	۲۰۰	۳۰۰۰
قمارباز	۵	۱۲	۵۰۰	۲۰۰۰
مردی به نام اوه	۴	۳۰	۵۰۰	۱۰۰۰
بادبادک باز	۴	۱۳	۵۰۰	۲۲۰۰
پس از تو	۴	۳۹	۱۱۰	۲۲۰۰
جنایت و مکافات	۴	۶	۵۰۰	۱۰۰۰
کیمیگر	۳	۲۱	۲۵۰	۳۰۰۰